

تحلیل و بررسی ظهور یا عدم ظهور خارجی و علمی اسماء مستأثر

حمیدرضا خادمی^۱، رضا حصاری^۲

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۸/۸/۴ - تاریخ پذیرش مقاله: ۹۹/۱/۲۰)

چکیده

نظریات مختلف و گوناگونی درباره ظهور یا عدم ظهور خارجی و علمی اسماء مستأثر وجود دارد. برخی عارفان همانند فرغانی اسماء مستأثر را همان ذات احدیت می‌دانند. برخی بر اساس روایات موجود معتقدند اسماء مستأثر از اسماء خداوند است که حق تعالی آن‌ها را مخصوص ذات خود می‌داند. عرفا و حکما در مورد این اسماء ویژگی‌ها و احکامی را بیان کرده‌اند که ظهور یا عدم ظهور خارجی و علمی در این میان، مسئله‌ای مهم و اساسی است. برخی عرفا مانند فرغانی به عدم ظهور خارجی این اسماء حکم کرده‌اند و نسبت به ظهور علمی آن‌ها سخنی نگفته‌اند. در این میان، ابن عربی گرچه این اسماء را زیرمجموعه اسماء ذات می‌داند؛ اما او را می‌توان با توجه به عباراتش، در زمره منکران ظهور خارجی این اسماء دانست. برخی دیگر همچون امام خمینی به ظهور علمی و خارجی آن‌ها قائل‌اند. در این میان افرادی همانند علامه طباطبایی تنها به ظهور علمی چنین اسمائی اعتقاد دارند. در این مقاله ابتدا اسماء مستأثر تعریف می‌شوند، سپس درباره ویژگی‌ها و درنهایت، ظهور یا عدم ظهور خارجی و علمی این اسماء تحلیل بررسی می‌شود.

کلید واژه‌ها: احدیت، اسماء مستأثر، ظهور، وجه خاص.

۱. استادیار گروه فلسفه و کلام، پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی، «سمت» تهران (نویسنده مسئول)؛
Email: khademi 4020@yahoo.com
۲. دانشجوی دکتری رشته فلسفه اسلامی، دانشگاه باقرالعلوم؛
Email: yazahra2233@gmail.com

۱. طرح مسئله

معرفت و شناخت ذات، اسماء و صفات الهی در فلسفه و عرفان از جمله مسائل بسیار مهم و اساسی محسوب شده است و روایات و آیات بسیاری به این مهم تأکید کرده‌اند؛ از این رو، حکما و عرفا مباحث بسیار متنوع و گوناگونی دربارهٔ چگونگی رابطهٔ میان حق تعالی و مخلوقات، نحوهٔ صدور ممکنات از او، تقسیم و دسته‌بندی اسماء الهی و ... مطرح کرده‌اند. از اهمیت و دشواری این مسئله همان بس که عدهٔ معدودی از متخصصان فلسفه و عرفان احادیث و روایات مربوط به اسماء و کیفیت حدوث را تفسیر و تبیین کرده‌اند. با وجود بحث‌های انجام‌گرفتهٔ متکلمان، فلاسفه و عرفا، هنوز جا برای ارائهٔ تفاسیر و تحلیل‌های موشکافانه باز است.

به علت آنکه اسماء مستأثر در دیدگاه قائلان به ظهور آنها، در تحت اسماء ذات مندرج است، لذا اجمالاً و کوتاه به بیان حقیقت اسم و برخی احکام و تقسیمات آن و درنهایت، به بیان حقیقت اسم ذات در دیدگاه عرفا پرداخته می‌شود.

معنای اسم نزد عرفا عبارت است از ذات الهی با ملاحظهٔ تعینی از تعینات مانند لحاظ ذات الهی با تعین علم که در این صورت «عالم» اسم خواهد بود [۲۰، ج ۱، ص ۶۴]. ذات الهی از منظر عرفا مشتمل بر چند مرتبه است؛ این مراتب عبارت‌اند از: مرتبهٔ غیب الغیوب، مرتبهٔ احدیت و مرتبهٔ واحدیت که خواص و ویژگی هر یک از این مراتب در کتب عرفا ذکر شده است [همان، ص ۴۷-۵۱]. البته این سخن به معنای جزءداشتن و تجزیهٔ حق تعالی نیست؛ بلکه این تقسیم حاصل مشاهده و رؤیت عارف در کشف و شهود خویش است.

مرتبهٔ نخست، البته تعبیر به مقام و مرتبهٔ مسامحه است، مقام غیب الغیوبی، هویت مطلقه و مقام «لا اسم له و لا رسم له» است. حق تعالی در این مرتبه هیچ‌گونه تعین، تقید و ظهوری ندارد و حتی مبدأ ظهور چیزی نخواهد بود. نخستین تعین و تجلی ذات الهی، وحدت عام و مطلقه است که جنبهٔ بطون آن احدیت و وجههٔ ظهور آن واحدیت نام دارد. اسماء و صفات الهی در مقام احدیت اجمالاً و اندماجی حضور دارند و این اجمال در مرتبهٔ واحدیت به صورت مفصل ظاهر می‌شود؛ لذا اسماء الهی در این مقام به صورت جدای از یکدیگر ظهور می‌یابند [۶، ص ۳۲۹ و ۳۵۷ و ۴۰۵].

از تناکح و ازدواج اسماء با یکدیگر، اعیان ثابته به وجود می‌آید؛ لذا اعیان ثابته از لوازم اسماء و صفات در مرتبهٔ واحدیت‌اند. در دیدگاه عرفا هر موجودی از موجودات نظام

هستی به اندازه سعه و گنجایش هویت وجودی خویش، مظهر و نشان دهنده حق تعالی و اسماء و صفات اوست. اسماء و صفات الهی تاروپود تمام کلمات هستی و ارکان موجودات را پر کرده است؛ لذا خداوند با اسماء و صفات خویش در نهاد و بنیاد هر شیئی حضور دارد [همان، ص ۴۴۸-۴۵۱].

در دیدگاه عرفا اختلافات تکوینی، تشریحی و نزاع میان پدیده‌ها بر اساس تقابل موجود میان اسماء و صفات تبیین و توضیح داده می‌شود. تمام موجودات از عین ثابت خویش نازل می‌شوند و در یک فرآیند تکمیلی که در عالم ماده محقق می‌شود، دوباره به همان عین ثابت و اسم حاکم بر خویش بازمی‌گردند؛ لذا از این جهت، صدر و ذیل نظام هستی بر یکدیگر منطبق و سازگار است.

عارفان الهی نسبت به اسماء خداوند تقسیمات و دسته‌بندی‌های گوناگون و مختلفی ارائه کرده‌اند که اکنون مختصراً بدان اشاره می‌شود.

۱. اسماء و صفات الهی به حقیقی محض، اضافه محض و ذات اضافه تقسیم می‌شوند. حقیقی محض مانند حیات و وجوب. اضافه محض همانند اولیّت و آخریّت و صفات ذات اضافه مانند ربوبیّت و علم.

۲. تقسیم اسماء و صفات به ثبوتیه و سلبیه مانند علم و قدرت و جسمانی نبودن و ممکن نبودن.

۳. تقسیم دیگر به اعتبار احاطه تامّه کلیه و عدم احاطه کلیه است. صفاتی همانند حیات، علم، قدرت، اراده، سمع، بصر و کلام از احاطه کلی برخوردارند. نام دیگر این اسماء «أئمة سبعة» است؛ لکن صفتی همچون رزق چنین احاطه و شمولی ندارد.

۴. تقسیم اسماء الهی به اسماء ذات، اسماء صفات و اسماء افعال چهارمین تقسیمی است که عارفان الهی ارائه کرده‌اند. اگرچه تمام اسماء به جهت و اعتبار خاصی اسم ذات محسوب می‌شوند، لکن با توجه به اعتبارات و لحاظ حیثیات گوناگون به سه دسته تقسیم می‌شوند [۲۰، ج ۱، ص ۶۲-۷۲].

پیش‌تر بیان شد که اسماء مستأثر در ضمن اسماء ذات مندرج‌اند، براین اساس، در توضیح اسماء ذات می‌توان چنین گفت که قیصری در شرح خویش بر فصوص الحکم معتقد است که اگرچه تمام اسماء به اعتباری اسم ذات است، لکن اسماء ذات را به معنای ظهور ذات در اسماء می‌داند [همان، ص ۶۹].

ظهور یا عدم ظهور خارجی و علمی اسماء مستأثر در زمره مباحث و مسائلی است

که تنها برخی از عرفا و فلاسفه پس از تحمل ریاضات علمی و غور در کتب روایی و عرفانی درباره آن اظهار نظر کرده‌اند. بر اساس نتیجه فحص و جست‌وجوی نگارنده در اقوال، عبارات و کلمات آنان، می‌توان چنین گفت که عارفان الهی نسبت به مسئله ظهور یا عدم ظهور آن موضعی دوگانه گرفته‌اند، بدین معنا که برخی از آن‌ها به ظهور خارجی این اسماء قائل شده‌اند و برخی دیگر منکر ظهور خارجی چنین اسمائی هستند. تنها علت و برهان منکران ظهور چنین اسمائی استناد به برخی از ادعیه است که این استناد در ادامه بررسی می‌شود.

مسئله ظهور علمی و عینی و تبیین کیفیت ظهور این اسماء در دو مقام علم و عین، بیان دیدگاه عرفا نسبت به تعریف و احکام این اسماء در این مسئله و بررسی و تحلیل علت ارائه از سوی منکران ظهور این اسماء از جمله مباحثی است که آن‌گونه که شایسته است به آن توجه نشده است؛ لذا در این مقاله، ابتدا اسماء مستأثر تعریف می‌شود، سپس برخی از احکام آن‌ها بیان می‌شود و آنگاه دیدگاه منکران و قائلان به ظهور این اسماء تبیین شده و در نهایت، دیدگاه منکران به ظهور این اسماء تحلیل و بررسی می‌شود.

۲. پیشینه

نکته‌ای که در اینجا لازم است گفته شود این است که درباره اسماء مستأثر کمتر سخن گفته شده است و از این جهت، آن‌گونه که باید متفکران اسلامی به آن توجه نکرده‌اند؛ اما با وجود این، درباره ماهیت این اسماء و برخی از احکام آن مانند ظهور و عدم ظهور خارجی آن اختلاف نظر وجود دارد. برخی معتقدند که اسم مستأثر همان ذات غیب الغیوب الهی است. برخی دیگر آن را زیرمجموعه اسماء ذات می‌دانند.

بر اساس آنکه تمام اسماء و صفات الهی مشتمل بر مظهر خاصی‌اند و در عالم اثر و ظهور دارند، برخی به وجود مظهر خارجی این اسماء حکم داده‌اند و مظهر آن را همانند اسماء حاکم بر آن‌ها مستأثر و پنهان می‌دانند، لکن بعضی دیگر نسبت به چنین اسمائی مظهر و ظهوری قائل نیستند.

از اهمیت این مسئله همان بس که بحث و تحلیل درباره آن علاوه بر اینکه می‌تواند در فهم هرچه بیشتر متون روایی به محققان کمک شایانی کند، در استنباط دقیق‌تر برخی از مباحث عرفان نظری نیز می‌تواند راه‌گشا باشد؛ افزون بر این، بحث و بررسی مسائلی که متفکران و صاحب‌نظران اسلامی درباره آن به علت صعوبت و دشواری‌اش،

مفصل سخن نگفته‌اند، می‌تواند از برخی لایه‌ها و زوایای پنهان متون دینی و آثار عرفانی که کمتر به آن‌ها توجه شده است، پرده بردارد و از این جهت است که پیشینه دقیق و منسجمی درباره این مسئله به چشم نمی‌خورد و تنها کتاب مستقل موجود در این باره، رساله «اسم مستأثر» در وصیت امام خمینی است که در این مقاله استفاده شده است.

۳. تعریف اسماء مستأثر

پیش‌تر تعریف اسماء ذاتی از منظر عرفان بیان شد. اسماء مستأثر زیرمجموعه اسماء ذاتی است. در دیدگاه استاد آشتیانی برخی از عارفان الهی قائل‌اند که اسماء ذاتیه حکم و اثر معین و مشخصی در عالم خلق ندارند و چنین اسمائی را اسماء مستأثر می‌نامند [۴، ص ۲۶۰-۲۶۱]. برخی دیگر آن را هفتادوسومین حرف از اسماء اعظم می‌دانند [۱۱، ص ۲۶]. میرزامهدی آشتیانی معتقد است که نخستین اسماء کمالی حق تعالی که نسبت به سایر اسماء برتر و بالاترند، هفت اسم‌اند که عبارت‌اند از: حیات مطلق، قدرت مطلق، اراده، علم، کلام، سمع و بصر مطلق. اطلاق آن‌ها به صورت اطلاق لابشرطی و احاطی است. به چنین اسمائی، اسماء مستأثر گفته می‌شود؛ زیرا تنها خداوند متعال و برخی از اولیای محمدی صلی الله علی محمد و آله بدان‌ها عالم و آگاه‌اند. وی وجه تسمیه دیگری در این باره بیان می‌کند که عبارت او چنین است: «آنها را نیز سبع المثانی، از جهت تکرر تجلیات آن‌ها در فاتحه و خاتمه کتاب تکوینی، و ظهور آن‌ها در قوس صعود و نزول در معراج ترکیب و تحلیل، و احدیت و واحدیت و عالم کبیر و عالم اکبر، می‌نامند» [۵، ص ۵۰-۵۱].

استاد حسن‌زاده آملی معتقد است که اگر تمام اسماء حسناى الهی به‌طور بالذات لحاظ شود، مستأثر می‌شوند [۱۰، ج ۱، ص ۵۷-۵۸].

وی در شرح فارسی خویش بر مقدمه قیصری درباره اینکه به چه صورت اعیان ثابت‌ه از اسماء مستأثره حق تعالی‌اند، این چنین می‌گوید: «مراد از ممتنعات در نزد عارف همان صور علمیّه اشیاء و نفسیت و حقیقت و خزانه اشیاء در ذات غیبی است که محال است از آن موطن بیرون آید و از جای خود خالی شود ک تجافی و طفره پیش می‌آید و تجافی محال است ... لذا به وجهی می‌توان گفت که اعیان ثابتّه اشیاء در صقع ذات ربوبی از اسماء مستأثره حق‌اند که در ذات عین ذات‌اند» [۹، ج ۱، ص ۵۰۴-۵۰۵].

برخی دیگر در وجه تسمیه این قبیل اسماء قائل‌اند که ممکن است در مرتبه ذات الهی

کمالی از کمالات باشد که هرگز ظهور نکرده است و ظهور هم نخواهد کرد که در اصطلاح به این نوع از کمالات مکنون اسماء مستأثر می‌گویند [۱۷، ص ۴۷؛ ۷، ج ۲، ص ۷۰۳-۷۰۴]. در ادامه به تحلیل و بررسی این امر که آیا چنین اسمائی در عالم ظهور دارند یا نه، پرداخته می‌شود. ضرورت بیان برخی از احکام اسماء مستأثر بدین جهت است که اطلاع و آگاهی به این احکام می‌تواند به تبیین برخی از دقایق و ظرایف مباحث عرفان نظری مانند حقیقت بدهاء، کیفیت ظهور اعیان ثابته و ... کمک کند. اکنون برخی از احکام و ویژگی‌های اسماء مستأثر تبیین می‌شود.

۴. بیان برخی از احکام و ویژگی‌های اسماء مستأثر از منظر حکما و عرفا

پس از تعریف مفهومی اسماء مستأثر با توجه به آنچه عرفا ذکر کرده‌اند، برخی از احکام این اسماء بیان می‌شود:

۱. مفاتیح غیب برخی از اسماء الهی است که هیچ‌کس بدان عالم و آگاه نیست، مگر اقطاب و انسان‌های کملی که حق تعالی با هویت ذاتی خویش بر آن‌ها تجلی کرده است، یعنی کسانی که مورد تجلی ذاتی حق تعالی واقع می‌شوند؛ لذا افرادی که مظهر تجلی صفاتی‌اند نسبت به این اسماء اطلاع و آگاهی ندارند. این اسماء در حیطة اسم اول و اسم باطن داخل‌اند. چنین اسمائی مبدأ ظهور اسمائی هستند که آن‌ها نیز مبدأ ظهور اعیان ثابته هستند؛ اسمائی که بر اعیان ثابته حاکم‌اند، ظهور اسماء مستأثره هستند. با توجه به آنچه ذکر شد، اسماء مستأثر در واقع، همان مفاتیح غیب‌اند [۴، ص ۲۶۰-۲۶۱؛ ۲۰، ج ۱، ص ۷۰-۷۱].

۲. برخی معتقدند که اضطراب، نگرانی، تضرع، زاری و اظهار عدم علم انبیا و اولیای الهی به عواقب و سرانجام امور خود از جهت علم و آگاهی نسبت به اقتضائات این اسماء است؛ زیرا آثار این اسماء در لوح قضاء و قدر مشهود نبوده است و حتی ممکن است که به سبب مقتضیات چنین اسمائی، هبوط و نزول در مورد انبیا و اولیا نسبت به مقام و درجه‌ای که دارند، حاصل گردد [۵، ص ۵۰-۵۱].

۳. یکی دیگر از احکام اسماء مستأثر آن است که کسی بدان آگاه نمی‌شود، چنان‌که گفته شده است، هنگامی که سالک الی الله، سفر اول را به پایان می‌رساند، سفر دوم را آغاز می‌کند. این سفر از حق به حق و با حق است. قطعاً و یقیناً این سفر با حق است؛ زیرا سالک در این مرحله به مقام ولایت نائل شده است و وجود چنین فردی حقانی

شده است؛ لذا سلوک از ذات به کمالات را آغاز می‌کند تا بدان‌جا که تمام اسماء و صفات الهی، به‌جز اسماء مستأثر، را می‌داند و بدان آگاه می‌شود [۱۲، ص ۱۴۴].
ابن عربی در همین راستا معتقد است که تنها خداوند به این اسماء آگاه و عالم است و هیچ‌کسی حتی انسان کامل نیز به آن‌ها علم ندارد [۲، ج ۳، ص ۲۶۷].

وی در وضع دیگری از فتوحات در این‌باره چنین می‌گوید: «قال رسول الله صلی الله علی محمد و آله فی دعائه: اللهم إتی أسئلك بكل اسم سمیت به نفسک أو علمته أحداً من خلقک و هو الجلی عند من علمه الله إیاه و الخفی عن من لم یعلمه. ثم قال أو استأثرت به فی علم غیبک، فهذا خفی عما سوی الله فلا یعلمه إلا الله، فإنه تعالی یعلم السرّ و هو ما بینه و بین خلقه و أخفی و هو ما لا یعلمه إلا هو مثل مفاتیح الغیب التي عند لا یعلمها إلا هو.» پیامبر اکرم در دعای خود این‌چنین فرمود: خداوند من از تو درخواست دارم به هر اسمی که تو خودت را به آن‌ها نامیدی یا آنکه آن‌ها را به یکی از مخلوقات خود تعلیم داده‌ای و این قبیل اسماء برای کسی که خداوند آن‌ها را به او تعلیم داده است، آشکار است و نسبت به کسی که خداوند آن‌ها را به او تعلیم نداده است، پنهان است. پیغمبر اکرم سپس فرمود: یا اسمائی که در علم غیب خودت آن‌ها را پنهان کرده‌ای. پس این قبیل اسماء از ماسوای او پنهان و مخفی است؛ لذا تنها خداوند به این اسماء عالم است. بنابراین خداوند اسرار را می‌داند؛ یعنی آن دسته از چیزهای که میان او و مخلوقات او هست. به امور مخفی آگاه است؛ یعنی آن چیزهایی که تنها خداوند به آن‌ها عالم است مانند مفاتیح غیب که نزد خداوند است و تنها او به آن‌ها عالم و آگاه است [همان، ص ۳۲۱].

۴. وجود و تحقق اسماء مستأثر تنها به حکم وحی اثبات‌پذیر است؛ یعنی از آنجاکه در برخی روایات و خصوصاً در بعضی از ادعیه به آن‌ها اشاره شده است. لذا اجمالاً می‌توان دانست که حق تعالی چنین اسمائی نیز دارد و بیان تفصیل بیشتر در این‌باره مانند چیستی و چگونگی آن‌ها کاملاً از دسترس معرفتی انسان‌ها خارج و بیرون است [۷، ج ۲، ص ۷۰۳-۷۰۴؛ ۱۹، ص ۵۶].

۵. پنجمین حکم از احکام اسماء مستأثر آن است که این اسماء از ذات الهی حکایت می‌کند و هرکسی با توجه به اطلاع و آگاهی نسبت به این اسماء به ذات الهی آگاه خواهد شد. اطلاع به چنین اسمائی تنها از طریق فناء در مقام احدیت حاصل می‌شود. مظاهر این اسماء در مراتب اعلی و اشرف فیض اقدس هستند و از این جهت، وصول به

این اسماء مستلزم فنای در ذات الهی است، اعم از اینکه این فنا به صورتِ حال یا به نحو مقام باشد. مرتبه وجودی اعیان این اسماء از مرتبه و درجه عین ثابت انسان کامل بالاتر و برتر است؛ زیرا باطن و مربی عین ثابت انسان کامل اسم شریف «الله» است، لکن باطن اسم الله اسماء مستأثره هستند و اسماء مستأثره مربی اسم الله است [۱۹، ص ۷۰].

۶. حاضر بودن در نهان و مرتبه غیبی متجلی علیه یعنی بندگان خاص حق تعالی، از جمله احکام اسماء مستأثر است. عبارت برخی از عرفا در تفسیر این دعای شریف «اللهم انی أسئلك بكل اسم سمیت به نفسه أو استأثرت به فی علم غیبک» [۲۲، ج ۸۵، ص ۲۳۴]. چنین است: «فالأسماء التي سمی بها هي التي تعرف بها إلى عبادة و التي استأثر بها إلى عبادة و التي استأثر بها فی غیبه هي التي نبهنا عليها بأنّها أسماء أحوال المتجلی علیه بها من عبادة و ذلك مستأثر فی غیب المتجلی علیه.» یعنی آن دسته از اسمائی که حق تعالی ذات خویش را به آن‌ها نامیده است، اسمائی اند که حق تعالی خودش را با آن‌ها به بندگان خویش شناسانده است و اسمائی که با وجود آن‌ها در غیب خویش پنهان شده است، اسمائی اند که از احوال بندگان هستند که حق تعالی بر آن‌ها تجلی کرده است، چنین اسمائی در غیب و نهان ذات متجلی علیه هستند [۸، ص ۱۱۱].

۵. تحلیل و تبیین ظهور یا عدم ظهور خارجی و علمی اسماء مستأثر

اگرچه سخن از ظهور یا عدم ظهور این اسماء در عالم خارج و در علم الهی جزء احکام اسماء مستأثر محسوب می‌شود، لکن به جهت اختلاف نظر موجود میان عرفا در این باره و اهمیت این موضوع، جداگانه و مستقل بدان پرداخته می‌شود.

برخی از عرفا معتقدند که این اسماء هیچ‌گونه ظهور و مظهري در عالم خارج ندارند و نسبت به ظهور علمی این اسماء سخنی نگفته‌اند و برخی دیگر از عارفان الهی به ظهور خارجی و علمی و برخی دیگر تنها به ظهور علمی چنین اسمائی اعتقاد دارند. در این بخش، ابتدا دیدگاه منکران ظهور خارجی این اسماء بیان می‌شود، سپس دیدگاه قائلان به ظهور خارجی و علمی اسماء مستأثر تبیین می‌شود و در نهایت، تحلیل و بررسی این مسئله به همراه نظر نهایی نگارنده بیان می‌شود.

۱-۵. تبیین دیدگاه منکران ظهور خارجی اسماء مستأثر

ابن عربی معتقد است که اسماء مستأثر از خلق و نسب خلقی خارج و بیرون است. این

اسماء هیچ تعلقی به موجودات ندارند و در علم غیبی الهی پنهان‌اند و تنها او به آن‌ها عالم و آگاه است [۲، ج ۲، ص ۴۴۲؛ ۲۰، ج ۱، ص ۸۳]. صدرالدین قونوی و برخی از حکما همانند میرزا ابوالحسن جلوه و میرزا هاشم اشکوری معتقدند که حکمی در عالم خارج نسبت به برخی از اسماء ذاتی متعین نشده است و حق تعالی این اسماء را تنها برای ذات خویش برگزیده است [۱۷، ص ۴۷ و ۵۵؛ ۱۹، ص ۲۰۶؛ ۱۰، ج ۱، ص ۵۷-۵۸].

برخی دیگر از محققان در این باره چنین می‌گویند: «باید توجه داشت که وقتی گفته می‌شود هر موجودی در عالم کبیر مظهر اسمی از اسماء الهی است، بدان معنا نیست که همه اسماء الهی لزوماً در عالم کبیر مظهري دارند، بلکه تنها بدین معناست که چنین نیست که موجودی در عالم کبیر باشد، اما آن موجود مظهر اسمی از اسماء الهی نباشد؛ زیرا انکارناپذیر نیست که شاید در مرتبه ذات حق تعالی همچنان کمالی از کمالات در کار باشد که هرگز ظهور نکرده و هرگز ظهور هم نکند» [۷، ج ۲، ص ۷۰۳-۷۰۴].

برخی دیگر از عرفا معتقدند که اسم مستأثر همان ذات احدیت مطلقه است و این اسماء نمی‌توانند مظهر و ظهوری در عالم داشته باشند؛ زیرا کُنه ذات اقدس الهی و غیب هویت نه فهمیده می‌شود و نه دانسته می‌شود؛ لذا تحت هیچ حکم معینی نخواهد بود مگر به حکم سلبی، بدین معنا که علم و آگاهی نسبت به او محقق نمی‌شود. آن‌ها برای توجیه دیدگاه خود به دعای شریف «أو استأثرت به فی علم غیبیک» [۲۲، ج ۸۵، ص ۲۳۴] تمسک می‌کنند [۱۵، ج ۱، ص ۳۵-۳۶؛ ۱۷، ص ۴۷].

امام خمینی که خود از قائلان به ظهور خارجی این اسماء در خارج است، معتقد است که این فناری در تفسیر کلام قونوی درباره عدم ظهور این اسماء در خارج به خطا رفته و کلام صدرالدین قونوی را به درستی تفسیر و تبیین نکرده است؛ لذا وی سعی در تبیین سخن قونوی کرده است، اگرچه رویکرد امام خمینی در این باره با دیدگاه قونوی مخالف است که در ادامه بدان پرداخته می‌شود.

از منظر صدرالدین قونوی علت آنکه این اسماء در خارج ظهور و بروزی ندارند، این است که اسماء مستأثر از ذات مکنون غیبی الهی‌اند و تنها خداوند به آن‌ها عالم است، لکن این فناری در تفسیر کلام قونوی چنین می‌گوید از آنجایی که این اسماء مشتمل بر شئون نامتناهی‌اند؛ لذا در خارج ظهور و بروزی ندارند، در حالی که امام خمینی معتقد است، در صورتی که شئون این اسماء متناهی و محدود باشد نیز حکم چنین اسمائی در خارج ظاهر نخواهد شد [همان].

بنابراین، منکران ظهور خارجی داشتن این اسماء به دو دسته تقسیم می‌شوند:

۱. برخی معتقدند که اسماء مستأثر همان ذات احدیت مطلقه است و از آنجایی که از ذات و غیب مطلق هیچ خبر و اطلاعی وجود ندارد؛ لذا این اسماء نیز حکم و ظهوری متعین همانند کُنه ذات الهی نخواهند داشت.
۲. برخی دیگر معتقدند که اسماء مستأثر نوعی از اسماء ذاتی است، لکن خداوند این قبیل اسماء را برای ذات خویش برگزیده است و تنها اوست که بدان‌ها عالم و آگاه است؛ لذا هیچ‌گونه بروز و ظهوری نخواهند داشت.

براساس سخنان و عبارات منکران ظهور اسماء مستأثر، می‌توان چنین گفت که آنان سخن صریحی نسبت به ظهور یا عدم ظهور علمی چنین اسمائی ندارند، به دیگر سخن، قائلان به این دیدگاه نسبت به اینکه چنین اسمائی در مقام علم الهی ظهور دارند یا نه، موضع صریحی نگرفته‌اند. گرچه می‌توان این‌گونه مدعی شد که بر اساس دیدگاه برخی از منکران ظهور خارجی این اسماء یعنی دسته دوم که در بالا بدان اشاره شده است، آنان به ظهور علمی چنین اسمائی قائل‌اند، لکن سخن صریحی از آن‌ها در این باره دیده نمی‌شود.

۵-۲. تبیین دیدگاه قائلان به ظهور خارجی و علمی اسماء مستأثر

تا آنجا که نگارنده اقوال و آرای عرفا را بررسی کرده است، افرادی مانند قیصری و علامه طباطبایی تنها به ظهور علمی چنین اسمائی قائل‌اند؛ اما برخی دیگر از عارفان الهی مانند امام خمینی، میرزا مهدی آشتیانی و سید جلال‌الدین آشتیانی، علاوه بر ظهور علمی، به ظهور عینی چنین اسمائی نیز اعتقاد دارند. اکنون، ابتدا نحوه ظهور علمی این اسماء، سپس کیفیت ظهور عینی اسماء مستأثر تبیین می‌شود.

۶. تبیین چگونگی ظهور علمی این اسماء

قیصری بر آن است که این اسماء هر چند ظهور و تحقق در عالم خارج ندارند؛ اما ظهور و صورت این اسماء وجودات علمیه است که هیچ‌گاه در عالم عین ظاهر نمی‌شود. چنان که می‌گوید: «و لما كانت هذه الأسماء بذواتها طالبة للباطن هاربة عن الظاهر، لم یکن لها وجود فی الظاهر، فصور هذه الأسماء وجودات علمية ممتنعة الا تصاف بالوجود العینی.» از آنجایی که اسماء مستأثر بذاته خواستار باطن‌اند و در ظهور فرار می‌کنند، لذا ظهوری در عالم نخواهند داشت؛ بنابراین، صورت این چنین اسمائی موجودات علمی در

مقام علم الهی است که اتصاف آن‌ها به وجود عینی و خارجی محال و ممتنع است [۲۰، ج ۱، ص ۸۳]. وی در بخش دیگری از سخنان خود، اسماء مستأثر را مبدأ اسماء در مرتبه واحدیت می‌داند و آن‌ها نیز مبدأ اعیان ثابت‌اند؛ بنابراین، می‌توان چنین گفت که وی قائل به ظهور علمی در مورد چنین اسمائی است [همان].

امام خمینی در تعلیقات خویش بر فصوص الحکم معتقد است که هر اسمی مظهر و ظهوری دارد؛ از این‌رو، مظهر اسماء مستأثر در علم غیب الهی مستأثر و پنهان است، یعنی ظهور مقام احدیت که تمام اسماء و صفات در آن مقام مستهلک است، به وسیله اسم مستأثر است [۱۹، ص ۱۵۹؛ ۱۱، ص ۲۶].

تفاوتی که در سخن قیصری و امام خمینی دیده می‌شود، این است که امام خمینی ظهور مقام احدیت را به سبب اسماء مستأثر می‌داند، لکن قیصری این اسماء را مبدأ اسماء الهی در مقام احدیت که آن‌ها نیز سبب ظهور اعیان ثابت‌اند، می‌داند؛ لذا می‌توان چنین گفت که گرچه هر یک از این دو عارف قائل به ظهور علمی برای اسماء مستأثر هستند، لکن تبیین آن‌ها از این نحوه ظهور علمی با یکدیگر متفاوت است.

علامه طباطبایی در این باره چنین می‌گوید: «اولین تعیین الهی که واسطه در ظهور اسماء از مقام غیب است، وحدت مطلقه و وحدت حقیقی است که جهت بطون آن را احدیت و جهت ظهور آن را مقام احدیت و ظهور اسماء می‌نامند. مقام احدیت ذاتی که جهت بطون اولین تعیین الهی است، همان اسم مستأثر است» [۱۴، ص ۴۷]. بر اساس سخن علامه طباطبایی، می‌توان چنین گفت که مرتبه احدیت در واقع، همان اسم مستأثر است و این سخن نشانگر ظهور علمی چنین اسمائی است.

میرزا مهدی آشتیانی نیز ظهور این اسماء را به اعتبار مرتبه احدیت ذات می‌داند [۵، ص ۵۰-۵۱]. استاد سید جلال‌الدین آشتیانی نیز ظهور در مقام علم را از خواص این اسماء می‌داند [۱۹، ص ۱۵۹]. وی معتقد است که مظهر و عین ثابت این اسماء بر فیض اقدس مقدم است. رسول اکرم پس از عبور از این مظاهر جزئی و مقید، به مقام فنای ذات می‌رسد و از این جهت، مظهر این اسماء در قوس صعود مفاتیح غیب‌اند؛ زیرا آگاهی به مفاتیح غیب پس از تجلی حق با هویت ذاتی خویش به چنین انسان‌هایی حاصل می‌شود [همان، ص ۲۸۱]؛ لذا می‌توان چنین گفت: به علت آنکه پیغمبر اکرم در قوس صعود به مقام فنا نائل می‌شود و به مفاتیح غیب اطلاع پیدا می‌کند؛ لذا مظهر اسماء مستأثر در قوس صعود خواهد شد.

با توجه به این سخن و دیدگاه استاد آشتیانی می‌توان چنین گفت که بیان امام خمینی و علامه طباطبایی ناظر به مظهریت این اسماء در قوس نزول است، لکن بیان استاد آشتیانی، ناظر به مظهریت این اسماء در قوس صعود است. این دیدگاه می‌تواند به نوعی توسعه در کیفیت و چگونگی مظهریت این اسماء در عالم خارج محسوب شود. بیان استاد آشتیانی در واقع، مأخوذ از عبارات میرزا مهدی آشتیانی است که پیش‌تر به عبارت وی در این باره اشاره شد.

۱-۶. تبیین کیفیت ظهور عینی اسماء مستأثر

تا بدین جا، کیفیت ظهور علمی این اسماء بیان شد، اکنون درباره نحوه ظهور خارجی چنین اسمائی نزد کسانی که افزون بر ظهور علمی به ظهور عینی این اسماء قائل‌اند، بحث و بررسی می‌شود. امام خمینی در تعلیقات خویش بر کتاب مصباح‌الأنس دیدگاه خود را درباره ظهور خارجی این اسماء به این صورت بیان می‌کند که اثر و ظهور این اسماء در عالم خارج مستأثر و پنهان است؛ زیرا هر شیئی جهت و وجهه خاصی نسبت به مقام احدیت دارد که به «سرّ وجودی آن شیء» تعبیر می‌شود که تنها خداوند بدان عالم و آگاه است؛ بنابراین، سرّ وجودی هر شیئی که جنبه ارتباط او با مقام احدیت است، مظهر اسماء مستأثر است و این مظهر نیز همانند خود این اسماء مستأثر و پنهان است. وی در این مقام به آیاتی نظیر آیه ۵۶ سوره هود {مَا مِنْ دَابَّةٍ إِلَّا هُوَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا} و آیه ۱۴۸ سوره بقره {وَلِكُلِّ وَجْهَةٌ هُوَ مُوَلِّيٰهَا} تمسک می‌کند [۱۷، ص ۴۷]. میرزا مهدی آشتیانی نیز علم، کلام، سمع، بصر، قدرت، تکلم و اراده مطلق را اسماء مستأثر می‌داند. در دیدگاه وی این اطلاق به صورت لابلشروط مقسمی است. از این جهت، می‌توان این چنین نتیجه گرفت که از آنجایی که اقسام چنین مقسمی یعنی علم مقید، اراده مقید و ... در عالم خارج وجود دارد؛ لذا به خارج بودن مقسم اثبات‌پذیر خواهد بود. همانند ماهیت لابلشروط مقسمی که بر اساس تحقق افرادش در عالم خارج، به خارجی بودن آن نیز می‌توان حکم کرد. افزون بر این، چنان که پیش‌تر عبارت او بیان شد، حکیم آشتیانی به ظهور چنین اسمائی در قوس نزول و صعود تصریح می‌کند.

استاد سید جلال‌الدین آشتیانی نیز همگام با امام خمینی در تبیین ظهور عینی این اسماء در عالم خارج معتقد است که مظاهر این اسماء مستأثر است؛ زیرا مظاهر این اسماء در احکام خویش تابع اسماء حاکم بر آنها هستند و از خصوصیات آن اسم حاکم

حکایت می‌کنند. وی معتقد است که هر موجودی از اسم باطن حظ و بهره‌ای دارد که به وجه خاص و مظهر اسم مستأثر نیز تعبیر شده است [۳، ص ۱۱۷؛ ۴، ص ۲۶۰-۲۶۱]. در توضیح وجه خاص باید گفت که نزد عرفا و صاحبان معرفت مسلم و واضح است که میان حق تعالی و بنده وی وسائط و حجب نورانی و ظلمانی وجود دارد. فیض الهی به بندگان از طریق اسباب و وسائط که علل معدّه‌اند، می‌رسد. در این سیر، تحقق و وجود هر شیئی بر علل و اسباب سابق بر وجود او توقف دارد. آن‌ها معتقدند که فیض الهی به طریق دیگری، غیر از طریق وسائط و علل معدّه نه تنها به سالکان مسیر الهی، بلکه به تمام موجودات نیز می‌رسد. به عبارت دیگر، حق تعالی از جهت احاطه قیومی خویش جدای از اسباب و علل متعارف، ارتباط دیگری با موجودات دارد که به آن وجه خاص گفته می‌شود.

از این طریق به تولیه، قرب و ریدی و رشته سبب‌سوزی نیز تعبیر شده است. عارفان الهی در این باره به آیاتی نظیر آیه «۱۶» سوره ق {نَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ} و آیه «۱۴۸» سوره بقره {لِكُلِّ وَجْهَةٍ هُوَ مُوَلِّيٰهَا} استناد کرده‌اند. در این طریق، اسباب و علل مدخلیتی ندارند و حق تعالی از حیث احاطه قیومیه و اتحاد مطلق با مقید، از هر امر قریبی نزدیک‌تر است. از آنجایی که تمام موجودات در مقابل سلطه و سیطره حق تعالی مقهورند؛ لذا اسباب و شرایط معدّه بی‌تأثیرند [۱۸، ص ۶۴-۶۵؛ ۱۳، ص ۱۳۳-۱۳۴].

۷. تحلیل و بررسی

تحلیل این مسئله ضمن دو نکته بیان می‌شود. نکته نخست درباره صحیح بودن دیدگاه قائلان به ظهور خارجی نسبت به منکران ظهور چنین اسمائی است و نکته دوم بیان نبود تنافی میان دیدگاه برخی از منکران ظهور خارجی این اسماء و رویکرد قائلان به ظهور خارجی این اسماء است.

نکته نخست: همان گونه که بیان شد، منکران ظهور چنین اسمائی نسبت به ظهور عینی اسماء مستأثر صریحاً موضع گرفته‌اند و نسبت به ظهور علمی آن‌ها سخنی نگفته‌اند. گرچه می‌توان برخی از آنان را در زمره قائلان به ظهور علمی این اسماء قلمداد کرد. قائلان به ظهور چنین اسمائی، خود به دو دسته تقسیم می‌شوند؛ برخی از آنان تنها به ظهور علمی این اسماء قائل‌اند و برخی دیگر علاوه بر ظهور علمی، به ظهور عینی این اسماء نیز معتقدند.

با توجه به سخنان و عبارات منکران ظهور خارجی این اسماء، این‌گونه به نظر

می‌رسد که تنها علت منکران تحقق ظهور خارجی داشتن این اسماء، تعابیر موجود در برخی از ادعیه همانند «أو استأثرت به فی علم الغیب عندک» است [۲۱، ج ۱، ص ۲۳۱]؛ لکن می‌توان چنین ادعا کرد که دیدگاه قائلان به ظهور خارجی داشتن این اسماء درست‌تر به نظر می‌آید؛ زیرا با دقت در همین ادعیه‌ای که مورد استناد منکران ظهور خارجی این چنین اسمائی است، می‌توان چنین گفت که اسم مستأثر در کنار سایر اسماء الهی مورد التفات و تمسک واقع شده است [۲۳، ص ۵۳].

بنابراین، با توجه به ادعیه موجود، گرچه این اسماء در علم غیبی الهی مخفی و پنهان‌اند، اما مورد التفات و توجه قرار گرفته‌اند، در این صورت، چنانچه این اسماء همان ذات غیبی و احدی الهی باشد، هیچ‌گاه مورد التفات و استناد قرار نمی‌گرفتند، آن‌گونه که ذات غیبی الهی و مرتبه لایشرط مقسمی اسم و رسمی ندارد و از دسترس تمام انبیا و عارفان خارج است، لذا از جهت آنکه پیامبر اکرم صلی الله علی محمد و آله در این دعا به آن‌ها توجه کرده‌اند، می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که این اسماء همان ذات احدی و غیب الغیوب الهی نیستند و بر این اساس، می‌توان به وجود مظهر خارجی برای چنین اسمائی حکم کرد. این مظهر خارجی همان وجهه خاص و ارتباط ویژه‌ای است که هر موجودی با ربّ خویش دارد.

به بیان دیگر، قائلان به ظهور خارجی چنین اسمائی، آن‌ها را در تحت اسماء ذات مندرج می‌دانند و از این جهت، در تبیین ظهور خارجی آن‌ها سعی کرده‌اند. اساساً هر یک از اسماء الله اقتضای نوعی ظهور را دارند، این در حالی است که در نگاه منکران ظهور چنین اسمائی، این اسماء همان ذات احدی و غیب الغیوبی یا از جمله اسمائی است که تنها حق تعالی به آن‌ها آگاه است، لکن با توجه به اطلاق اسم به اسماء مستأثر و اینکه هر اسمی اقتضای ظهوری دارد و بر اساس تحلیل دعای پیش‌گفته، دیدگاه قائلان به ظهور خارجی این اسماء صحیح‌تر به نظر می‌رسد.

نکته دوم: پیش‌تر بیان شد که صدرالدین قونوی از جمله کسانی است که منکر ظهور خارجی این چنین اسمائی است؛ اما وی در تفسیر خویش بر *فاتحة الكتاب* معتقد است که علت تمسک به اسم مستأثر که برخی از ادعیه بدان ناظرند، این است که توسل به اسماء شریف و عزیز الهی موجب تسریع در اجابت دعاست؛ افزون بر این، نسبت به حال سائل نیز مفیدتر خواهد بود. در دیدگاه وی، برترین اسماء الهی اسمی است که بیشترین دلالت را بر حق تعالی، بدون مشارکت چیزی دیگری داشته باشد و اسماء

مستأثر در زمره این اسماء است؛ زیرا این اسماء دلالتی تام بر ذات الهی دارند و تنها به ذات او اختصاص دارند، بدون آنکه معنای دیگری در این دلالت تام با اسماء مستأثر شریک باشند که سبب تعدد و تکثر شود. چنان که گوید: «و النبیّ صلیّ الله علی محمد و آله یقول فی دعائه، اللهم انّی أسئلك بكلّ اسم سمیت به نفسک ... أو استأثرت به فی علم غیبک» فهذا ممّا یستروح منه أنّ السؤال من الحقّ بأعزّ أسمائه و أحقّها نسبةً إلیه أنفع للسائل و آكد فی أسباب الإجابة و أحقّ الأسماء نسبةً إلیه سبحانه ما کملت دلالته علیه» و پیغمبر اکرم صلیّ الله علی محمد و آله می فرماید: «خداوند از تو می خواهم به هر اسمی که تو خودت را به آن نامیدی ... یا در علم غیب تو پنهان است.» پس این درخواست از چیزی‌هایی است که پیامبر اکرم به وسیله آن‌ها راحتی و آسایش طلب می‌کند و اینکه درخواست از حق تعالی به عزیزترین و برترین اسماء او، برای انسان سائل مفیدتر است و تأثیر بیشتری در استجاب دعا دارد و شایسته‌ترین اسماء نسبت به ذات او، آن اسمی است که دلالت او بر ذات الهی، دلالت بیشتر و تمام‌تری داشته باشد [۱۶، ص ۱۴۸-۱۴۹].

قونوی در ادامه این چنین می‌گوید که این دعای شریف که توسط پیامبر اکرم نقل شده است: «أو استأثرت به فی علم غیبک» [۲۲، ج ۸۵، ص ۲۳۴]، نشان‌دهنده آن است که حق تعالی این اسماء را در عالم برای هیچ فردی ظاهر نکرده است، به گونه‌ای که حتی انسان کامل نیز بدان عالم و آگاه نیست و در صورتی که پیغمبر اکرم صلیّ الله علی محمد و آله بدان‌ها آگاه می‌بود، در دعای خویش در پیشگاه الهی به این اسماء احتیاج پیدا نمی‌کرد؛ بنابراین، گرچه تمسک به این اسماء سبب تسریع در اجابت دعا می‌شود، اما با این حال، اسماء مستأثر برای پیامبر اکرم حاصل نبوده است و ظهوری در عالم نیز ندارد و تنها حق تعالی بدان‌ها عالم و آگاه است [۱۶، ص ۱۴۸-۱۴۹].

بر اساس دیدگاه وی، تمسک به این اسماء موجب توجه ویژه حق تعالی به شخص سائل در اجابت دعای وی می‌شود، اما از آنجایی که هیچ فردی از افراد انسان حتی انسان کامل نیز به این اسماء عالم و آگاه نیست و با توجه به اینکه صدرالدین قونوی این اسماء را جزء اسماء ذات می‌داند نه همان ذات الهی و غیب الغیوبی خداوند که برخی دیگر از عرفا به آن اعتقاد داشتند، می‌توان این چنین ادعا کرد که منظور قونوی از عدم ظهور خارجی این اسماء آن است که هیچ موجودی از موجودات امکانی بدان‌ها عالم و آگاه نیست و تنها ذات خداوند است که نسبت به آن‌ها اطلاع دارد نه عدم ظهور خارجی آن‌ها. بنابراین، با توجه به دیدگاه وی که در بالا بدان اشاره شد، عدم ظهور خارجی این

اسماء به معنای نفی مظهر خارجی داشتن آن‌ها نیست؛ زیرا عدم ظهور خارجی به معنای بی‌اطلاعی است و این منافاتی با ظهور خارجی آن‌ها ندارد؛ زیرا برخورداربودن از مظهر مخفی و پنهان سبب علم و آگاهی بدان‌ها نخواهد شد.

شاهد بر این مدعا آن است که قونوی نیز مانند قائلان به ظهور خارجی این اسماء، تمسک به آن‌ها را سبب استجاب دعا دانسته است و از این جهت، مورد التفات و توجه پیامبر اکرم صلی الله علی محمد و آله بوده است، بر اساس این التفات و توجه است که به نوعی می‌توان به مظهر خارجی داشتن آن‌ها حکم کرد؛ لذا می‌توان چنین گفت که در دیدگاه قونوی عدم ظهور خارجی نه به معنای عدم اطلاع هیچ‌یک از انسان‌ها حتی انسان کامل است و نه به معنای مظهرنداشتن آن‌ها. از سوی دیگر، قائلان به ظهور خارجی این اسماء ادعای اطلاع و آگاهی نسبت به این اسماء ندارند، تا آنکه این سخن آنان با دیدگاه قونوی منافات داشته باشد، بنابراین، می‌توان چنین گفت که میان دیدگاه قونوی و رویکرد قائلان به ظهور خارجی این اسماء تباینی وجود ندارد.

۸. نتیجه‌گیری

با توجه به ظاهر ادعیه موجود در این باره و بر اساس اینکه یکی از علت‌های اساسی و مهم ظهور اسماء برآورده کردن حوائج مخلوقات است، می‌توان چنین گفت که این اسماء از ظهور خارجی برخوردارند. این ظهور اعم از ظهور عینی و علمی است. ظهور علمی این اسماء به دو صورت تفسیر شده است. این ظهور یا در مرتبه احدیت است یا آنکه به سبب این اسماء مرتبه احدیت ظاهر می‌شود. ظهور عینی اسماء مستأثر بر اساس وجه خاص و قرب و ریدی تبیین و توجیه خواهد شد. ارتباط حق تعالی با تمام موجودات نظام هستی از طریق وجه خاص، خارج از دایره و نظام علی و معلولی است که تنها حق تعالی بدان عالم است؛ بنابراین، مظهر عینی اسماء مستأثر همان ارتباط حق تعالی با تمام موجودات از طریق وجه خاص است. این مظهر همانند اسماء حاکم بر آن‌ها مستأثر و پنهان است. به این ترتیب، نمی‌توان دیدگاه قائلان به عدم ظهور خارجی داشتن این اسماء را پذیرفت. با دقت در کلمات قونوی می‌توان میان رویکرد او و دیدگاه قائلان به ظهور خارجی این اسماء جمع کرد.

منابع

- [۱]. قرآن کریم.
- [۲]. ابن عربی، محیی‌الدین (۱۴۰۵). *الفتوحات المکیة*. بیروت، دار الصادر.
- [۳]. آشتیانی، سید جلال‌الدین (۱۳۷۰). شرح مقدمه قیصری. تهران، امیرکبیر.
- [۴]. _____ (۱۳۸۰). شرح مقدمه قیصری. قم، بوستان کتاب.
- [۵]. آشتیانی، میرزا مهدی (۱۳۹۴). *معراج نامه*. تصحیح و مقدمه: منوچهر صدوقی سها، تهران، مولی.
- [۶]. امینی‌نژاد، علی (۱۳۹۰). حکمت عرفانی: تحریری از درس‌های عرفان نظری استاد سید یدالله یزدان‌پناه. قم، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی.
- [۷]. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۴). *تحریر ایقاظ النائین*. قم، اسراء.
- [۸]. جیلی، عبدالکریم (۱۴۱۸). *الإنسان الكامل*. محقق و مصحح: ابو عبدالرحمن صلاح‌بن محمد بن عویضه، بیروت، دار الکتب العلمیة.
- [۹]. حسن‌زاده آملی، حسن (۱۳۸۷). *دروس شرح فصوص الحکم*. قم، بوستان کتاب.
- [۱۰]. _____ (۱۳۸۶). *مآثر آثار*. قم، انتشارات الف لام میم.
- [۱۱]. خمینی، سید روح‌الله (۱۴۱۰). *تعلیقه بر شرح فصوص الحکم*. تهران، مؤسسه پاسدار اسلام.
- [۱۲]. _____ (۱۳۷۴). *شرح دعای سحر*. ترجمه: سید احمد فهری، تهران، اطلاعات.
- [۱۳]. صائین‌الدین، علی‌بن ترکه (۱۳۶۰). *التمهید فی شرح قواعد التوحید*. تصحیح و مقدمه: سید جلال‌الدین آشتیانی، تهران، وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- [۱۴]. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۶۵). *الرسائل التوحیدیة*. بنیاد علمی و فکری استاد علامه سید محمدحسین طباطبایی با همکاری نمایشگاه و نشر کتاب.
- [۱۵]. فرغانی، سعیدالدین (۱۳۹۰). *منتهی المدارک*. تحقیق و تصحیح: وسام الخطاوی، قم، آیت اشراق.
- [۱۶]. قونوی، صدرالدین (۱۳۸۱). *إعجاز البیان فی تفسیر أم القرآن*. تصحیح سید جلال‌الدین آشتیانی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- [۱۷]. _____ (۱۳۸۸). *مصباح الأنس*. تحقیق: محمد خواجه‌جوی، تهران، مولی.
- [۱۸]. قیصری، داود (۱۳۸۱). *مجموعه رسائل قیصری*. تصحیح و تحقیق: سید جلال‌الدین آشتیانی، تهران، مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران.
- [۱۹]. _____ (۱۳۸۶). شرح فصوص الحکم. تصحیح: سید جلال‌الدین آشتیانی، تهران، علمی و فرهنگی.
- [۲۰]. _____ (۱۳۹۴). شرح فصوص الحکم. تحقیق: حسن حسن‌زاده آملی، قم، بوستان کتاب.
- [۲۱]. کلینی، محمدبن یعقوب (۱۴۰۷). *اصول کافی*. مصحح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دار الکتب الإسلامیة.
- [۲۲]. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳). *بحار الأنوار الجامعه لدرر أخبار الأئمة الأطهار*. بیروت، دار إحياء التراث العربی.
- [۲۳]. محمدی گیلانی، محمد (۱۳۷۶). *اسم مستأثر در وصیت امام خمینی*. تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

